

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قالَ عليّ (ع) :

«من علّمني حرفاً فقد صيرني عبداً»

هرکس کلمه ای به من بیاموزد مرا بنده خویش کرده است.



دانشگاه علامه طباطبایی

پردیس آموزشهای نیمه حضوری

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد روابط بین الملل

عنوان

امنیت خاورمیانه و گسترش سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه بزرگ

استاد راهنما

دکتر غلامعلی چگنی زاده

استاد مشاور

دکتر جلال الدین دهقانی فیروز آبادی

نگارش و تحقیق

افشین قلی پور

تابستان ۹۰

تقدیم به

پدر عالیقدرم که همچون او بودن و همچون او زیستن برایم آرزویی دیرین است.

مادر گرانقدرم بخاطر مهربانی و از خودگذشتگی بی پایانش که برایم الگوی صبر و استقامت است.

همسر ستودنی ام بخاطر حضور و وجود نازنین و بزرگوارش که مرا امید پیمودن این راه است.

تقدیر و تشکر

خداوند متعال را شاکرم که بعنوان یکی از دانشجویان رشته روابط بین الملل، امکان استفاده از حضور و نظرات اساتید ارجمندی را داشتم که به پرورش و بالندگی هرچه بیشتر این رشته در ایران همت می گمارند.

در این مجال کوتاه باید تقدیر کنم از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر غلامعلی چگنی زاده که با صفای صورت سیرت و با مهربانی بی انتها تلاش در شناخت و بازگشایی مفهوم و جایگاه روابط بین الملل برای دانشجویان این دانشگاه نمود و به حق یک انسان واقعی است چه در عرصه استادی و علم آموزی و چه در عرصه اخلاق.

همچنین خداوند را شاکرم که توفیق علم آموزی از محضر استادی را برایم فراهم نمود که دریچه ای از مفهوم سیاست خارجی در روابط بین الملل را به رویمان گشود. جناب آقای دکتر جلال الدین دهقانی فیروز آبادی که با حوصله و صبری ستودنی، استاد و راهنمای بسیاری از دانشجویان و محققان این رشته می باشند و از راهنمایی های بی دریغ ایشان در به ثمر رسیدن این تحقیق نیز کمال تشکر را دارم.

در پایان وظیفه خود می دانم که از استاد جوان و خوش فکری در مجموعه روابط بین الملل به نیکی یاد کنم که نه تنها استاد این بنده حقیر بوده بلکه بعنوان دوستی ارزشمند و دلسوز همواره از راهنمایی های ایشان برخوردار بوده ام. جناب آقای دکتر مرتضی نورمحمدی که مطمئنا در آینده نزدیک روابط بین الملل در جامعه علمی ایران، از وی سخنها بسیار خواهیم شنید.

چکیده

در دنیای پس از فروپاشی نظام دوقطبی و ایجاد ساختار سلسله مراتبی در نظام بین الملل، سلاحهای کشتار جمعی بعنوان معضل جدید در بحث امنیت ظهور پیدا کرد، دولتهایی که تا این فرمان فاقد چنین سلاحهایی بودند به سمت دستیابی به این سلاحها سوق داده شدند. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حضور بازیگران غیردولتی در خاورمیانه و دسترسی آنان به این سلاحها، دولتها را متقاعد نمود که برای ایجاد امنیت در نظام بین الملل ضرورت ایجاد می نماید که از اشاعه و گسترش آنها جلوگیری به عمل آید. عدم دموکراسی و وجود حکومتهایی با ساختار دیکتاتوری و غیرعقلانی در این منطقه و همچنین حضور بازیگران غیردولتی و مجهز به تسلیحات کشتار جمعی، چنین ضرورتی را تشدید می نماید.

وقوع سه جنگ در دهه های اخیر در خاورمیانه (جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران ۱۹۸۸-۱۹۸۰، اولین جنگ موسوم به جنگ خلیج فارس پس از اشغال کویت از سوی عراق در ۱۹۹۱ و جنگ دوم خلیج فارس، حمله نظامی آمریکا و متحدانش در مارس ۲۰۰۳) و جنگهای میان اعراب و اسرائیل در دهه های گذشته همگی نشان از تنش زا بودن این منطقه دارد. بر این اساس تردیدی وجود ندارد که استقرار منطقه ای عاری از سلاحهای هسته ای (و نیز سلاحهای کشتار جمعی) یک نیاز اساسی و ضرورتی اجتناب ناپذیر جهت حفظ صلح و امنیت پایدار در خاورمیانه می باشد.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، تسلیحات کشتار جمعی، بازیگران خارجی، بازیگران غیردولتی، امنیت.

فصل اول

۱.....	کلیات.....
۱.....	طرح مسأله.....
۳.....	سوال اصلی.....
۳.....	فرضیه ی اصلی.....
۴.....	اهداف تحقیق.....
۴.....	روش تحقیق.....
۴.....	روش گردآوری اطلاعات.....
۴.....	علت انتخاب موضوع.....
۴.....	سازماندهی پژوهش.....
۵.....	تعاریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح.....
۵.....	تعریف واژگان اختصاصی.....
۵.....	موانع و مشکلات تحقیق.....

فصل دوم

۶.....	چهارچوب نظری.....
۸.....	مکتب کپنهاک.....
۸.....	تهدید محوری در مفهوم امنیت.....
۱۰.....	امنیت موضوعی بین الاذهانی.....
۱۰.....	دولت محوری در مرجع امنیت.....
۱۱.....	امنیت موسع در برابر مضیق.....
۱۲.....	امنیتی ساختن.....
۱۴.....	معمای امنیت.....
۱۴.....	معمای قدرت – امنیت.....
۱۵.....	بررسی مفهوم امنیت.....
۱۷.....	گفتمان امنیتی منفی.....
۱۸.....	گفتمان امنیت مثبت.....
۱۹.....	محیط امنیتی.....
۲۰.....	ارکان امنیت.....
۲۱.....	تهدید نظامی.....

۲۳	امنیت سازی.....
۲۳	معمای امنیت(نگرش بدبینانه).....
۲۴	دو نظریه درباره ی گسترش سلاحهای هسته ای.....
۲۵	نظریه ی والتز.....
۲۵	نظریه ی ساگان.....
۲۶	منابع.....
	فصل سوم
۲۹	خاورمیانه ی بزرگ و بحث سلاحهای کشتار جمعی.....
۳۰	تعریف مفهوم خاورمیانه ی بزرگ.....
۳۱	خاورمیانه ی بزرگ؛ جغرافیای راهبردی.....
۳۳	سلاحهای کشتار جمعی.....
۳۵	انواع بحرانهای ناشی از سلاحهای کشتار جمعی.....
۳۶	تاریخچه ی تکاملی سلاحهای هسته ای.....
۳۷	تاریخچه ی تکاملی سلاحهای شیمیایی.....
۳۹	تاریخچه ی تکاملی سلاحهای بیولوژیکی.....
۴۱	معاهدات خلع سلاحهای کشتار جمعی.....
۵۰	ماهیت و آثار سلاحهای هسته ای.....
۵۰	آثار سلاحهای هسته ای.....
۵۱	بحث تروریسم هسته ای.....
۵۲	بازار سیاه هسته ای.....
۵۲	بازیگران دولتی(دولتهای سرکش).....
۵۴	گسترش جهانی فناوری هسته ای و موشکهای بالستیک.....
۵۵	موانع موجود در تعیین انگیزه ی کشورها برای دستیابی به سلاحهای هسته ای.....
۵۷	قابلیت های هسته ای.....
۶۰	اهداف کشورها از دستیابی به سلاح هسته ای.....
۶۲	نظریه های استراتژیک مربوط به سلاحهای هسته ای.....
۶۴	۱-بازدارندگی.....
۶۵	۲-وادار سازی.....
۶۵	۳-جنگیدن.....
۶۶	جبر هسته ای.....
۷۱	خلع سلاح.....

۷۳	خاورمیانه منطقه ی امنیتی شده.....
۷۴	کد امنیتی مناطق.....
۷۸	ملاحظات خاورمیانه ای.....
۷۸	جایگاه خاورمیانه در ساختار امنیتی دوره ی جنگ سرد.....
۷۹	جایگاه خاورمیانه در ساختار امنیت جهانی (پس از جنگ سرد).....
۸۱	قابلیت های هسته ای کشورهای خاورمیانه ی بزرگ.....
۸۲	اسرائیل.....
۸۲	تاریخچه ی مختصر برنامه ی هسته ای اسرائیل.....
۸۶	تسلیمات هسته ای اسرائیل.....
۸۷	موشک لنس.....
۸۷	نگاهی به توانایی های هسته ای اسرائیل.....
۸۸	اهداف منطقه ای اسرائیل.....
۸۹	راهبرد بازدارندگی هسته ای اسرائیل در خاورمیانه.....
۹۰	راهبرد بازدارندگی و سیاست ابهام.....
۹۲	ارزیابی راهبرد بازدارندگی هسته ای اسرائیل.....
۹۸	عراق.....
۹۸	سلاحهای هسته ای.....
۱۰۰	سلاحهای شیمیایی.....
۱۰۱	گزارشی از زرادخانه تسلیحات کشتار جمعی عراق.....
۱۰۶	ایران.....
۱۰۶	۱- ذخایر معدن اورانیوم.....
۱۰۶	۲- مرکز فناوری تبدیل اورانیوم اصفهان.....
۱۰۷	۳- سایت نطنز.....
۱۰۷	۴- مرکز تحقیقات هسته ای تهران.....
۱۰۷	۵- مرکز تحقیقات فیزیک وابسته به وزارت دفاع ایران « لویزان - شیان».....
۱۰۸	۶- آب سنگین اراک.....
۱۰۸	۷- نیروگاه هسته ای بوشهر.....
۱۰۸	مهار پاکستان در برنامه کاری هندوستان.....
۱۰۹	قابلیت های هسته ای کشورهای همسایه خاورمیانه بزرگ.....
۱۰۹	پاکستان.....
۱۱۲	چین.....

۱۱۲.....	هند
۱۱۴.....	کره ی شمالی.....
۱۱۵.....	منابع.....
	فصل چهارم
۱۲۴.....	نتیجه گیری.....
۱۲۵.....	تنگناهای امنیت در خاورمیانه.....
۱۲۵.....	۱- ضرورت بازتعریف امنیت در خاورمیانه.....
۱۲۵.....	۲- تهدیدات امنیتی مشترک در کشورهای منطقه.....
۱۲۶.....	خاورمیانه عاری از سلاحهای کشتار جمعی.....
۱۲۸.....	سلاح های کشتار جمعی و کنوانسیون های ناظر بر کنترل و محو آنها.....
۱۲۸.....	الف) معاهده راجع به عدم گسترش سلاح های هسته ای.....
	ب) کنوانسیون راجع به منع توسعه ، تولید و ذخیره سازی سلاح های بیولوژیکی و سلاح های سمی و نابود کردن آنها.....
۱۲۹.....	ج) کنوانسیون راجع به منع توسعه ، تولید و ذخیره سازی و استفاده از سلاح های شیمیایی و نابود کردن آنها.....
۱۲۹.....	کنوانسیون های راجع به مناطق عاری از سلاح های هسته ای.....
۱۳۰.....	ضرورت شکل گیری منطقه عاری از سلاح های هسته ای در خاورمیانه.....
	قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص استقرار منطقه عاری از سلاح های هسته ای در خاورمیانه.....
۱۳۰.....	بررسی وضعیت عضویت کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در کنوانسیون های سلاح های کشتار جمعی و اسناد مربوطه.....
۱۳۴.....	منابع فصل چهارم.....
۱۳۹.....	منابع کل.....

فصل اول :

کلیات

طرح مسأله:

تهدید تولید و اشاعه سلاح های کشتار جمعی (weapons of masdestraction) مربوط به بعد از جنگ جهانی دوم به سال ۱۹۲۵ زمانی که پروتکل ژنو برای پاسخ به گاز سمی در طول جنگ جهانی اول به مذاکره گذاشته شد، بر می گردد.

طی سال های بعد، تهدید نسبت به امنیت بین المللی از سوی WMD به طور یکنواختی افزایش یافت و در نهایت رخدادهای سال های اخیر، تأثیر بی ثبات کننده ی چنین سلاح هایی را نشان داده است.

کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ ایران و عراق به حمله با گاز سارین در مترو توکیو؛ حملات عراق در خلال جنگ خلیج فارس با موشک های اسکاد به آزمایش های موشک های بالستیک و آزمایش های هسته ای هند و پاکستان بعد از جنگ جهانی دوم و در خلال سال های جنگ سرد این روند در نظام دو قطبی با استراتژی های تنش زدایی، تنش زایی، بازدارندگی و ... ادامه پیدا کرد و پایان جنگ سرد دورنمای جهانی و واقعیات صلح و امنیت را تغییر داد و سیاست بین الملل را با عدم قطعیت و بی ثباتی روبرو ساخت.

نظام بین الملل اگرچه تا پیش از ۱۹۹۱ با توان بالقوه ی مواجهه ی هسته ای خطرناک بین دو متخاصم ایدئولوژیک تعریف می شد، اما تحولات سریع در نظام بین الملل پس از جنگ سرد همراه با ناامنی های کلان Big insecurity تلاشی برای رسیدن به وضعیت امن Secure Situation را به اولویت نخست سیاست های واحدهای سیاسی مختلف تبدیل کرد.

در طول جنگ سرد، امنیت بین الملل از طریق توازن در سلاح های کشتار جمعی بین دو ابر قدرت حفظ و تداوم می یافت اما با فروپاشی شوروی نه تنها منجر به پیدا شدن در محیط بین الملل امن تر نشد بلکه تهدیدات پراکنده ای که منشأ بیم های جدی بوده اند دور نمای نه چندان امید بخشی پیش روی جهان قرار داد.

جهانی به شدت متفاوت که تهدیدات ناشی از بازیگران دولتی و غیر دولتی، به ویژه تروریستهای برخوردار از دسترسی فراملی و علاقه مند به کسب یا توسعه ی برنامه های مربوط به سلاح های کشتار جمعی به خودنمایی می پرداختند شکل گرفت با فروپاشی شوروی و خارج شدن نظام بین الملل از دو قطبی بودن و شکل گیری قدرتهای منطقه ای خصوصاً در بحث هسته ای یکبار دیگر، احساس ناامنی و عدم امنیت بر نظام بین الملل حکمفرما شد. منطقه ی خاورمیانه از مهمترین مناطقی بود که در قرن ۲۱ مرکز ثقل سلاح های هسته ای به شمار می رود. با توجه به عدم اشاعه ی دموکراسی در اکثر کشورهای منطقه ی خاورمیانه، بیم آن می رود که کشورهایی که دارای چنین سلاح هایی می باشند از یک عدم عقلانیت در روابط بین الملل جهت استفاده ی

صلح آمیز از این سلاح ها باشند پس ضرورت اصلی بر امنیت این است که از اشاعه ی این گونه سلاح ها در این منطقه جهت دستیابی به امنیت و صلح پایه در ممانعت به عمل آید.

حضور بازیگران غیر دولتی و احتمال دسترسی آنان به تسلیحات و مواد هسته ای (احتمال دسترسی گروه های تروریستی چون القاعده به تسلیحات و مواد هسته ای به همراه نقش شبکه های غیر دولتی چون عبدالقدیر خان در قاچاق هسته ای و ایجاد بازار سیاه اتمی) به همراه عدم کنترل لازم برخی دولت ها بر ظرفیت های هسته ای و نظامی خود مهمترین چالش امنیتی در بحث اشاعه ی سلاح های کشتار در خاورمیانه ی بزرگ قلمداد می شود.

پس از ۱۱ سپتامبر و افزایش نگرانی نسبت به تجهیز گروه های تروریستی و حامیان دولتی آنان به انواع سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه و امکان سرایت دانش و تکنولوژی ساخت و تولید مواد و تسلیحات هسته ای به دست گروه های فراملی و فروملی، دغدغه های امنیتی در این حوزه از نظام بین الملل ایجاد کرد.

سوال اصلی:

گسترش سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت این منطقه دارد؟

فرضیه اصلی:

گسترش سلاح های کشتار جمعی باعث برهم خوردن مناسبات قدرت و تغییر در ماهیت مسابقه ی تسلیحاتی منطقه ای می گردد.

- متغییر مستقل:

گسترش سلاح های کشتار جمعی در خاورمیانه

- متغییر وابسته:

برهم خوردن مناسبات قدرت و تغییر در ماهیت مسابقه تسلیحاتی منطقه ای

اهداف تحقیق:

در این پژوهش به بررسی تأثیرگذاری گسترش سلاح های کشتار جمعی بر امنیت منطقه ای و سلب امنیت از خاورمیانه می پردازم که در دنیای پس از فروپاشی نظام دوقطبی و ابر قدرت بلوک شرق و همچنین گسترش سلاح های کشتار جمعی در این منطقه از نظام بین الملل، ضرورت ایجاد می نماید که دانشجویان رشته ی روابط بین الملل و متخصصین در این زمینه، به کلیدی ترین موضوع روابط بین الملل یعنی بحث امنیت و بر ملا ساختن مضرات اشاعه سلاح های کشتار جمعی خصوصا در منطقه خاورمیانه که در قرن جدید به عنوان منطقه ای استراتژیک مورد توجه قدرت های بزرگ قرار گرفته است، پردازند.

روش تحقیق:

در کنار روش تاریخی برای ساماندهی تحقیق، لازم می دانم که از روشهای توصیفی و تحلیلی نیز مساعدت گرفته و به بررسی موضوع این پژوهش پرداخته شود.

روش گردآوری اطلاعات:

روش جمع آوری اطلاعات و داده ها بر اساس روش کتابخانه ای می باشد که از منابع اینترنتی، مقالات، اسناد و گزارشات مورد توجه قرار می گیرد.

علت انتخاب موضوع:

علاوه بر علاقه شخصی به مسائل امنیتی در روابط بین الملل، در شرایط کنونی مهمترین مقوله ی مطرح شده در روابط بین الملل می باشد. بعد از فروپاشی شوروی، خاورمیانه به عنوان منطقه ای استراتژیک یک اهمیت فزاینده ای را در نظام بین الملل پیدا کرد. در نتیجه امنیت این منطقه، ارتباط تنگاتنگی با امنیت در نظام بین الملل دارد.

با توجه به اینکه کشور ما نیز در این منطقه واقع گردیده است، به طور طبیعی این موضوع در قرن حاضر می تواند برای کشور ما حساس و قابل تأمل باشد.

سازماندهی پژوهش :

این پژوهش مشتمل بر ۴ فصل می باشد.

در فصل اول به بیان کلیات و مراحل مختلف طراحی پروپزال یعنی طرح مسأله، هدف پژوهش، سؤالات طرح، فرضیه ی مطرح شده، تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی و کاربردی طرح و نهایتاً مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق سازماندهی شده اند.

در فصل دوم به ارائه ی چارچوب نظری مرتبط با تحقیق پرداخته ام که مکتب کپنهاک و آرای امنیتی باری بوزان را شامل می شود و همچنین به دو نظریه ی امنیتی متفاوت از یکدیگر در بحث اشاعه ی سلاح های کشتار جمعی اشاره گردیده است.

در فصل سوم پیرامون خاورمیانه و بحث سلاح های کشتار جمعی در این منطقه از جهان به صورت مفصل بحث و تفحص شده است که ابتدا خاورمیانه به عنوان یک منطقه ی ژئوپولیتیکی آنالیز شده است، سپس به بحث سلاح های کشتار جمعی به طور کلی و نهایتاً حضور چنین سلاح هایی در خاورمیانه و نقش آن ها در بحث امنیتی این منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در فصل چهارم و پایان این پژوهش به نتیجه گیری این مبحث پرداخته ام که اولاً آیا اصولاً وجود چنین سلاح هایی در دست کشورهای منطقه وجود دارد؟ ثانیاً در صورت وجود داشتن این سلاح ها آیا می تواند خسارت به بار آورد یا اینکه به امنیت این منطقه از جهان کمک خواهد کرد؟

تعاریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح :

در این پژوهش اصطلاحاتی همچون سلاح های کشتار جمعی «WMD»، پیمان منع تکثیر «NPT» پیمان منع جامع «CTBT»، تسلیحات هسته ای «Nuclear arms»، بیولوژیکی «Biological» و شیمیایی «chemical» را مورد بررسی دقیق و در سطحی وسیع مورد توجه قرار می دهیم.

همچنین به مفاهیم اصلی که پایه ی این پژوهش را تشکیل می دهند پرداخته خواهد شد از جمله:

- مفهوم امنیت در تعریفی جامع از امنیت ملی.
- مفهوم خاورمیانه و محدوده ی ژئوپولیتیک آن.
- بحث همگرایی منطقه ای و تأثیرات آن بر عدم گسترش سلاح های کشتار جمعی.

تعریف واژگان اختصاصی:

- تسلیحات کشتار جمعی : هر وسیله تخریبی که همراه یک عامل بیولوژیکی (میکروب ها و ویروس ها) یا شیمیایی یا تشعشع مواد رادیو اکتیو طراحی شده باشد و استفاده از آن سطح خطرناک و بالایی از تخریب برای زندگی بشر به همراه داشته باشد.

- امنیت : عدم وجود تهدیداتی که ارزش های حیاتی را به خطر می اندازد و از نظر ذهنی یعنی نبود هیچ هراسی علیه ارزش های مذکور.

- محیط امنیتی : محدوده ای که در آن ارزش ها و منافع حیاتی بازیگر تعریف شده و بازیگران سعی دارند آسیب پذیری و تعهدات آن را به حداقل برسانند.

- خاورمیانه : کشورهایی از مناطق شمال آفریقا و کرانه ی مدیترانه تا خلیج فارس را دربر می گیرد. این کشورها شامل ترکیه، مصر، عراق، اسرائیل، فلسطین، اردن، لبنان، عربستان، سوریه، یمن، بحرین، کویت، عمان، قطر، امارات متحده ی عربی و ایران می باشد.

موانع و مشکلات تحقیق:

از یک طرف عدم دستیابی مطلوب به منابع اصلی و مستند و از طرفی دیگر به دلیل غیر شفاف بودن موضوع کشورها در ارتباط با سلاح های کشتار جمعی و عدم صداقت آنها و همچنین به دلیل حساسیتی که بر روی تولید این سلاح ها در بین کشورها وجود دارد، دسترسی به بعضی اطلاعات را غیر ممکن و یا بسیار مشکل ساخته است و این خود انگیزه ی محقق را پایین می آورد.

فصل دوم :

چارچوب نظری

مکتب کپنهاک

مکتب کپنهاک اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و نقطه نظرات باری بوزان، ال ویور، دوویلند و برخی دیگر به کار برده است.

مکتب کپنهاک تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی می باشد و همچنین جزء اولین رهیافتهایی است که در راستای پایه گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است و این مطالعات را از مطالعات استراتژیک تفکیک نموده و آنرا در ذیل روابط بین الملل و مطالعات استراتژیک را نیز در ذیل مطالعات امنیتی قرار داد. (۱)

تهدید محوری در مفهوم امنیت :

بوزان تاکید بسیاری بر شناخت مفهوم امنیت داشته است. از نظر وی درک صحیح مساله امنیت ملی به درک صحیح از مفهوم امنیت بستگی دارد. (۲)

از نظر بوزان ۵ عامل اساسی در عقب ماندگی و توسعه نیافتگی مفهوم امنیت دخالت داشته است که عبارتند از پیچیدگی موضوع، حل شدگی امنیت در قدرت در شرایط مواجهه، واکنش علیه رئالیسم فراملی، ماهیت مطالعات استراتژیک و استفاده ابزاری از امنیت.

این عوامل با همکاری یکدیگر و با وابستگی درونی و بیرونی که با هم دارند، مفهومی به نام امنیت را می سازند. بنابراین به هیچ وجه نمی توان آنان را جدا از یکدیگر در نظر گرفت. (۳)

- از نظر بوزان پیچیدگی موضوع امنیت باعث رویگردانی تحلیل گران از توجه به آن شده و همین امر منجر به فقدان کاوش دقیقتر و گسترده تر توسط طیف متنوعی از صاحب نظران گردیده است، در حالی که پیچیدگی مفهوم امنیت کمتر از پیچیدگی مفاهیم دیگری مانند قدرت، عدالت، صلح، مساوات و آزادی می باشد.

- در خصوص حل شدگی امنیت در قدرت: بوزان سلطه تفکر خام رئالیستی در محیط قطبی شده جنگ سرد را عامل تهدید مفهوم امنیت می داند.

- وی در خصوص واکنش علیه رئالیسم افراطی به عنوان یکی از دلایل عقب ماندگی مفهوم امنیت معتقد است که منتقدان رئالیسم افراطی خصوصاً لیبرالیسم آرمانگرا به جای تمرکز بر روی مفهوم امنیت به مفهوم بسیار بحث برانگیزتری به نام « صلح » روی آوردند.

- دلیل دیگر عقب ماندگی مفهوم امنیت از نظر بوزان ، ماهیت مطالعات استراتژیک تلقی شده است. وی مدعی است مطالعات استراتژیک به دلیل آنکه مجبور بوده بخش مهمی از نیروی خود را صرف مطابقت با تحولات جدید نماید و بر مسائل نظامی و دفاعی تمرکز داشته ، باعث شده که با وجود استفاده بسیار زیاد از مفهوم امنیت ، هنوز نیز الگوی واقع گرایی کشمکش قدرت بر آن تسلط داشته باشد.

- بوزان آخرین علت در عقب ماندگی مفهوم امنیت را مساله استفاده ابزاری از امنیت می داند وی معتقد است دولت‌ها در حفظ ابهام امنیت همواره پیشقدم بوده و منافع بسیاری در این چارچوب داشته اند.

- بوزان امنیت را برابر با « رهایی از تهدید» تعریف می نماید و معتقد است ، امنیت در نبود مساله دیگری به نام « تهدید» درک می شود. از نظر وی امنیت به توان دولت‌ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می گردد.

- از مواردی که بوزان بر آن تاکید داشته بحث " امنیت اجتماعی از دولت‌ها" است. در حقیقت تا ابتدای دهه ی ۱۹۹۰ امنیت مفهومی درون دولتی و در حوزه حاکمیت یک دولت محسوب می شد اما از زمان شکل گیری اتحادیه اروپا ، امنیت در قالب یک ساخت فرادولتی ، اما به کارکرد دولت مطرح گردید. در امنیت دولت ، اصل اساسی حاکمیت است در حالیکه در امنیت اجتماعی از دولت‌ها ، اصل هویت است.(۴)

- مفهوم دیگری را که باید به آن اشاره کرد. مفهوم « امنیتی کردن» است در این حالت ، آن چیزی امنیتی است که از میزان بالایی از اهمیت و اعتبار و ضرورت برخوردار بوده و شایسته صرف روندهای سیاسی برای پرداختن به آن باشد.(۵)

نظریه پردازان این مکتب ، کتابها و مقالات بسیاری را برای تشریح دیدگاه ها و نقطه نظرات خویش تدوین نموده اند که کتاب « مردم ، دولت‌ها و هراس ، امنیت» چارچوبی جدید برای « تحلیل و امنیتی ساختن و نامنی» از جمله مهمترین این موارد می باشد.

کن بوث ، کتاب مردم ، دولت‌ها و هراس اثر باری بوزان (۱۹۸۳) را به عنوان جامعترین تحلیل نظری در مورد مفهوم امنیت در ادبیات روابط بین الملل می داند.(۶)

دو تن از مهمترین شخصیت‌های این مکتب که در چارچوب رهیافت واقع گرایی قرار دارند ، بوزان و ال ویور می باشند. بوزان یک نئورئالیست و ویور یک واقع‌گرای ساختاری می باشد؟

امنیت موضوعی بین الاذهانی :

بوزان امنیت را موضوعی بین الاذهانی تعریف می کند. وی نقطه آغازین مساله امنیتی یا موضوع امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران می داند اما بلافاصله تاکید دارد که عنوان ذهنی بودن برای امنیت معنای دقیقی نیست بلکه یک ویژگی اجتماعی است. البته وی معتقد است که تاکنون هیچ یک از نظریه های امنیتی در خصوص معیارهای عینی امنیت ، مطلبی بیان نکرده اند و اگر بیان می کردند ، به طور حتم مشخص نبود که رویکرد عینیت گرایانه موثر و موفق باشد. (۷)

از اصل بینا ذهنی بودن مساله امنیت دو نتیجه می توان گرفت :

- اول آنکه آستانه امنیتی دولت- ملتها متفاوت از یکدیگر خواهد بود و این مهم به دیگر بازیگران متذکر می گردد که وقتی دولتها موضوعی را امنیتی می سازند این یک واقعیت سیاسی است که نتایجی را نیز در پی خواهد داشت در این چارچوب درک و شناخت خطوط قرمز امنیتی آنها برای طرح ریزی سیاستها و استراتژیهای امنیتی ، امری ضروری است. به عنوان مثال فنلاندی ها با ۳ درصد مهاجر خارجی همواره نگران مساله مهاجرت هستند. اما سوئدی ها با ۱۴/۷ درصد نرخ مهاجرت ، هیچ گاه احساس ناامنی نکرده اند. دوم اینکه : دیگران چگونه در خصوص امنیتی کردن یک موضوع توسط ما می اندیشند و آنرا ارزیابی می نمایند حائز اهمیت است ؛ زیرا این امر بر نحوه پاسخ آنها تاثیر می گذارد. چیزی که در یک جامعه مشخص ممکن است امنیتی ساختن طبیعی به نظر برسد ، برای کسانی که خارج از آن جامعه هستند ، امکان دارد مضحک و حتی نوعی بیماری تلقی گردد.

نتیجه آنکه اصل بینا ذهنی بودن مساله امنیت یک تکلیف دو طرفه ایجاد می نماید. برای بازیگران جامعه ای که موضوعی را امنیتی ساخته اند ، برداشت و تصورات بازیگران خارجی و برای بازیگران خارجی ، شناخت تصورات امنیتی و آستانه تحمل بازیگر موردنظر حائز اهمیت می باشد.

دولت محوری در مرجع امنیت :

مکتب کپنهاک با طرح مساله امنیت فردی و مفهوم دولت تلاش دارد ابتدا چالشهای مرتبط با مرجع امنیت را و سپس فهم دقیقتری از مرجع امنیت را ارائه نماید.

از نظر این مکتب اگرچه امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیل است ، اما افراد نمی توانند به عنوان مرجع امنیت شناخته شوند. (۸)

اگرچه امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیل است اما اصولا تابع ساختارهای سیاسی عالیترا دولتی و بین المللی می باشد. از سوی دیگر امنیت فردی به صورت مثبت و منفی تحت تاثیر دولت قرار می گیرد و زمینه های عدم هماهنگی میان امنیت فردی و ملی گویای این تناقض دائمی است.

مکتب کپنهاک با رد فرد محوری در مرجع امنیت، تمرکز خود را بر روی دولت به عنوان محور امنیت قرار می دهد و معتقد است تاکنون در نظام بین الملل دولتها قویترین بازیگران بوده اند و در حال حاضر به صورت مهمترین معیار جهانی مشروعیت سیاسی درآمده اند.

از نظر مکتب کپنهاک در این چارچوب به ۳ دلیل اساسی دولت به عنوان مرجع امنیت می باشد:

۱- این دولت است که باید بر مسائل بین المللی، دولتی و نیمه دولتی فائق آید.

۲- دولتها اولین عامل در کاهش دادن عدم امنیت می باشند.

۳- دولت بازیگر غالب در نظام بین الملل است. (۹)

امنیت موسع در برابر مضیق:

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است. در نتیجه مطالعات امنیتی بیشتر به مطالعه جنگ و آن هم در حوزه مطالعات استراتژیک تبدیل شد و تا اواخر دهه ۷۰ نیز رویکرد مسلط در مطالعات استراتژیک و امنیتی بود.

از ابتدای دهه ۸۰ این رویکرد مورد چالش قرار گرفت.

اولین مقاله و نقد در مقابل امنیت فصیق، توسط ریچارد اولمن در سال ۱۸۰۳ میلادی نگاشته شد. (۱۰)

این مقاله تمرکز بر امنیت نظامی را به زیر سوال برد و اظهار داشت این تمرکز تصویر بسیار غلطی از واقعیت ارائه می دهد و باعث کاهش امنیت در سطح کلان می گردد. از سوی دیگر نظامی محور بودن امنیت موجب افزایش ناامنی جهانی می شود. وی در کنار امنیت نظامی به مسائلی مانند رشد جمعیت و کمبود منابع به عنوان دیگر مسائل امنیتی تاکید نمود.

نقد دیگر توسط هافندورن مطرح گردید. وی در سال ۱۹۹۱ در مقاله ای اظهار داشت: مطالعات امنیتی باید بیش از تمرکز بر امنیت نظامی بر جنبه های اقتصادی، تکنولوژیک و داخلی متمرکز باشد.

نقدهای بعدی توسط دیوید بالدوین مطرح شد. وی معتقد بود که دغدغه امنیت نظامی تحلیل مسائل امنیتی در سطح داخلی و خارجی را که تابع مسائل نظامی نمی باشد محدود و مشکل می سازد. (۱۱)

- باری بوزان به شکل مبسوط تر و مستدل تری امنیت فصیق را به زیر سوال برد و امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد.

مکتب کپنهاک مخالف دیدگاهی است که هسته مطالعات امنیتی را جنگ و زور می داند یا پدیده ها و موضوعاتی را مطالعه می کند که دارای ویژگیهای نزدیک و معناداری با جنگ و زور باشد.

بوزان و همکاران اعتراض سنت گرایان نسبت به عدم انسجام فکری به جهت موسع کردن موضوعات را جدی می دانند اما قبول ندارند که عقب نشینی به هسته نظامی تنها یا بهترین راه برای سر و کار داشتن با این نوع از عدم انسجام است.

در مجموع بوزان برای اثبات ضرورت موسع نمودن ابعاد امنیت دلایل زیر را بیان می دارد :

اول : افزایش شدت روابط در نظام بین الملل موجب کنش و واکنش شدیدی میان آنارشی و وابستگی متقابل گردیده است و همچنین موجب تغییر چهره تهدیدات و آسیب پذیریهایی گردیده که مساله امنیت را تبیین می نماید.

دلیل دوم : به ویژگیهای سیاسی امنیت مرتبط می باشد. در شکل امنیت موسع ، مفهوم امنیت مانع از مخالفت مشکل آفرین و گاه کاذب بین آرمان گرایان و واقع گرایان می شود.

ویژگی بعدی به بهره برداری نابجا از امنیت و تبعات آن مرتبط می باشد. امنیتی کردن یک موضوع به معنای یافتن توجیهی قانع کننده برای انجام تدابیر خاص و خارج از رویه های معمول می باشد و ممکن است از آن برای اهداف غیر مشروع استفاده شود و این در حالی است که نظامی محور بودن امنیت بر شدت مخاطرات ناشی از امنیتی کردن یک موضوع خواهد افزود. اما توسعه این مفهوم به بخشهای دیگر باعث کاهش گرایش نظامی امنیت و در نتیجه کاهش مخاطرات ناشی از امنیتی شدن یا امنیتی کردن موضوعات خواهد شد.

سومین دلیل : اتخاذ دستور کار موسع امنیتی ، ویژگی این ایده از لحاظ فکری است. در این چارچوب مفهوم امنیت راهی برای پیوند تئوری و تحلیل در مطالعات بین المللی است و تئوری روابط بین الملل ، اقتصاد سیاسی بین الملل ، مطالعات منطقه ای ، مطالعات استراتژیک ، تحقیقات مربوط به صلح و جنگ ، حقوق بشر و ... را در چارچوب مطالعات امنیتی قرار می دهد ، پس امنیت یک ایده سازمان دهنده در مطالعات بین الملل است. با وجود اقامه ۳ دلیل فوق ، مکتب کپنهاک امنیت نظامی را یکی از مهمترین ابعاد امنیت می داند و معتقد است که امنیت نظامی دارای تاثیر بسیار زیادی بر ابعاد سه گانه دولت یعنی نهادها ، ایده و پایگاه مادی آنها می باشد.

امنیتی ساختن: rsecuritization

این مفهوم یکی از مباحث بسیار مهم در مکتب کپنهاک است و تعریف امنیت به عنوان « اقدام گفتاری » مرکز ثقل این بحث می باشد.

ویور در همین خصوص اظهار می دارد که امنیت هنگامی به عنوان « عمل پیچیده » بهتر فهمیده می شود که به عنوان اقدام گفتاری در نظر گرفته شود.